

چالش‌های جمعیت سگ‌های بی‌صاحب در گفت‌وگو با فرزاد علیزاده دبیر اجرایی ستاد مردمی داع از حقوق حیوانات



سید صالح پیر خلیل از ایران

جمع شدن

تعدادی سگ

دور منابع غذایی

بدان معنی نیست

که جمعیت سگ‌ها

زیاد شده

این حیوانات به دلیل

حسن بویایی قوی می‌توانند

۱۵ تا ۲۰ کیلو متر

پرسه زنی

و غذا پیدا کنند

غذارسانی‌های دستی و دلسوزانه آیا صحیح است؟

غذارسانی‌های دستی و دلسوزانه به سگ‌ها را تأیید می‌کنند؟ این غذارسانی چه تبعات محیط زیستی به دنبال دارد؟

غذارسانی که در حال حاضر انجام و دیده می‌شود، غذارسانی مطلوبی نیست. به این دلیل که دوستداران حیوانات، پسماند کشتار گاهی که می‌تواند هم برای سگ‌ها و هم برای محیط زیست آلوده باشد را به این حیوانات می‌دهند. حتی این پسماندهای کشتار گاهی در حاشیه شهرها نیز می‌تواند برای حیات وحش در دسر ایجاد کند، چرا که حیوانات وحشی نزدیک این منابع غذایی می‌شوند و از آن تغذیه می‌کنند و سلامتشان به خطر می‌افتد.

بنابراین اگر غذارسانی در جای صحیح توسط افراد کاربلد با پروتکل خاص انجام شود هیچ شکالی ندارد.

ظرفیت حضور سگ‌های

پرسه‌زن با اقامت انسان‌ها در آن

منطقه است که شکل می‌گیرد

چرا که فضای امن

منابع غذایی و آب را

برای این حیوانات ایجاد می‌کند

سگ‌های ولگرد نه با کشتار کم می‌شوند و نه با غذادهی زیاد

در کشور ما روزانه هر فرد

حدود ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ گرم

پسماند تولید می‌کند که

تقریباً نیمی از پسماندها،

تر است و می‌تواند خوراک

سگ‌ها باشد

غیره به دنبال خواهد داشت. چگونه می‌توان خطرات بیماری‌های ناشی از آن را کاهش داد؟

بر اساس دستورالعمل‌های معتبر جهانی تنها راه‌شنه کن کردن بیماری‌های واکنسیناسیون ۷۵ درصد تمامی سگ‌هاست. اعم از سگ‌های پرسه‌زن و حتی سگ‌های خانگی. متأسفانه حذف فیزیکی سگ‌ها به هر شکل، چه کشتار با سم (که دارد اتفاق می‌افتد و اسنادش هم وجود دارد) و چه انتقال آنها به پناهگاه‌ها (که با گرسنه و تشنه نگه داشتن سگ‌ها شبیه به زندان‌های رنج‌ور و عذاب‌آور است) نمی‌توان خطرات بیماری‌های را کاهش داد.

نماینده گان سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان جهانی بهداشت حیوانات (WOAH) و دیگر سازمان‌های مرتبط بین‌المللی بر یک چارچوب جهانی برای حذف‌های به توافق رسیدند تا به چشم‌انداز استراتژیک رساندن‌های به عدد صفر تا سال ۲۰۳۰ دست یابند. کشور ما نیز متعهد شده تا سال ۲۰۳۰ مرگ و میر ناشی از‌های انسانی را به صفر برساند، اما سوال اینجاست که مدیران متولی امر در کشور ما چقدر در برابر این تعهد جهانی مسئولانه عمل می‌کنند؟ در کشور ما دعوا میان سازمان دامپزشکی، شهرداری‌ها و وزارت بهداشت بر سر این است که اصلاً متولی این کار چیست؟ سازمان دامپزشکی زیر بار قضیه نمی‌رود و می‌گوید بودجه ندارد، اما به عقیده من بودجه این کار وجود دارد منتها در جای خود خرج نمی‌شود، چرا که مثلاً قیمت واکسن‌های از نوع حیوانی (برای سگ‌ها) رقم کمی است، با این حال به طور جدی و ویژه، واکنسیناسیون گسترده‌ای انجام نمی‌شود تا بیماری‌های را کاهش دهد، در مقابل واکنسیناسیون‌های انسانی را که چند دهه پوروست رایگان انجام می‌دهند

و بودجه زیادی برایش صرف می‌شود. این یعنی نوشدارو پس از مرگ سهراب، یعنی درمان بدون توجه به پیشگیری؛ یعنی اصرار به تکرار اشتباهات.

بر اساس آمارهای وزارت بهداشت، حدود ۷۵ درصد گزش‌ها مربوط به سگ‌های صاحب‌دار است، پس باید واکنسیناسیون سگ‌های صاحب‌دار که بخشی از آنها سگ‌های گله هستند مورد توجه قرار گیرد و در کنار واکنسیناسیون سگ‌های پرسه‌زن، برای کاهش و به صفر رساندن‌های ناشی کرد.

آیا با اجرای برنامه‌های CNVR می‌توانیم به نتایج مطلوب برسیم یا اقدامات دیگری نیز لازم است؟

CNVR به تنهایی کارایی نیست، من حداقل به سر تیفنیکت (گواهینامه) بین‌المللی در خصوص مدیریت جمعیت سگ‌ها و چارچوب تیفنیکت بین‌المللی در خصوص‌های دارم و به جرئت می‌گویم که دو موضوع بسیار مهم دیگر باید مورد توجه قرار گیرد: اولی آموزش و دومی مالکیت مسئولانه است. باید گله‌داران و باغداران را ملزم کنیم به اینکه سگ‌هایشان را در طبیعت رها نکنند و صاحبان سگ‌های خانگی در شهرها نیز به هیچ عنوان سگ‌هایشان را بدون قلابه بیرون نیاورند. اینها بخشی از قوانینی است که سه‌الی چهار سال پیش به عنوان لایحه منع حیوان آزاری تنظیم و در دولت مهم مصوب شده است اما در مجلس در پایگانی خاک می‌خورد، بنابراین اگر واقعاً فکر می‌کنیم که امروز موضوع سگ‌ها اولویت دارد و مشکلات محیط زیستی و سلامت مرتبط با آن نیز باید حل و فصل شود، نباید این لایحه در مجلس به صورت پایگانی بماند.

همه‌ی که در کشور ما مغفول مانده است اما غریبه‌ها روی آن به درستی و به خوبی کار می‌کنند، ما در مجموعه «سدا» تلاش می‌کنیم تا در مورد حقوق حیوانات مبتنی بر قفه شیعه اقداماتی را انجام دهیم و لازم است که مسئولان امر برای هر چه بهتر انجام شدن کار‌ها پای کار بایانند.

چیست؟ هاری مشکل اساسی است یا گزش یا مسائل دیگر؟ متأسفانه هیچ سرشماری و پایشی از جمعیت سگ‌های پرسه‌زن نداریم و این خود پایه اصلی مشکلات برای حل مشکلات بعدی است.

غذارسانی‌های دستی و دلسوزانه به سگ‌ها را تأیید می‌کنند؟ این غذارسانی چه تبعات محیط زیستی به دنبال دارد؟

غذارسانی که در حال حاضر انجام و دیده می‌شود، غذارسانی مطلوبی نیست. به این دلیل که دوستداران حیوانات، پسماند کشتار گاهی که می‌تواند هم برای سگ‌ها و هم برای محیط زیست آلوده باشد را به این حیوانات می‌دهند. حتی این پسماندهای کشتار گاهی در حاشیه شهرها نیز می‌تواند برای حیات وحش در دسر ایجاد کند، چرا که حیوانات وحشی نزدیک این منابع غذایی می‌شوند و از آن تغذیه می‌کنند و سلامتشان به خطر می‌افتد.

بنابراین اگر غذارسانی در جای صحیح توسط افراد کاربلد با پروتکل خاص انجام شود هیچ شکالی ندارد.

چه اقداماتی باید برای کنترل جمعیت سگ‌ها انجام شود؟

تقریباً از دهه ۹۰ به بعد، یکسری کشورها که تا پیش از این بر اثر آزمون و خطا برای کنترل جمعیت سگ‌ها عمل می‌کردند، راهکار‌هایی را در دستور کار قرار دادند که موفقیت‌آمیز شد. یکی از این راهکار‌های مؤثر، اجرای برنامه چهار مرحله‌ای CNVR است. یعنی مید کردن سگ‌ها، واکنسیناسیون و انگل‌تراپی،

عرق‌سازی و رهاسازی آنها در محل قبلی‌شان. راهکاری که به بسیاری از کشورهای پیشرفته کمک کرد تا علاوه بر کنترل جمعیت این سگ‌ها، بیماری‌های را هم به صفر برسانند. اما چرا ما نتوانستیم جمعیت سگ‌های پرسه‌زن را کنترل کنیم و هر کاری کردیم نتیجه مثبتی نداشت؟ به این دلیل که اول، هیچ آمار و اطلاعاتی از تعداد این حیوانات نداریم و دوم، کانون‌های ورودی آنها را کنترل نکردیم. کانون‌هایی که یک بخش عمده‌اش را سگ‌های گله تشکیل می‌دهد. حدود ۸۰ الی ۹۰ میلیون دام در مراتع کشور داریم که به صورت عرفی هر ۳۰ دام، یک سگ گله باید داشته باشد. با یک تقسیم ساده به عددی نزدیک

به ۲ تا ۳ میلیون سگ گله می‌رسیم که اگر ۳۰ درصد این جمعیت را سگ‌های ماده‌دانش گزینیم، گاهی تلاش شده تا با کشتار سگ‌ها، جمعیت آنها کنترل شود؛ اقدامی که در کشور ما دیده شده و هم دیگر کشورها، اما در بهترین حالت تنها ۶۰ درصد جمعیت سگ‌های پرسه‌زن حذف شده است و ۴۰ درصدی که باقی‌مانده که اتفاقاً سگ‌های فرزند و زرتنگ‌تر و عمدتاً گرسوز (پرخاشگر) بودند نتوانستند فرار کنند و طی شش ماه تا یک سال، جمعیت جایگزین را متولد

کنند؛ جمعیت جایگزینی که رفتار‌های پر خاشگرانه داشته است. در مقابل آن ۶۰ درصد جمعیت سگ‌هایی که کشته شدند، سگ‌هایی آرام‌تر بودند که به حضور انسان‌ها عادت داشتند. پس چه اتفاقی افتاد؟ ما می‌توانستیم جمعیتی از سگ‌های آرام را کنترل کنیم، مثلاً با یک حذف گزینشی، اجازه انتقال بیماری‌هایشان به انسان‌ها را ندهیم، اما حذف‌شان کردیم و جمعیت‌شان با یکسری سگ‌های جوان‌تر و پر خاشگرتر جایگزین شد.

می‌توانید مثالی از کشورهایی بزنید که با اجرای برنامه چهار مرحله‌ای CNVR در زمینه کنترل جمعیت سگ‌ها موفق عمل کردند؟

کشور افغانستان تا سال ۲۰۱۷ مشغول حذف فیزیکی سگ‌ها بود اما تا سال ۲۰۲۱ موفق شد با برنامه CNVR ۲۰ هزار سگ را فقط در شهر کابل عقیم کند و به حدود ۷۵ هزار سگ واکسن‌های زدن تا

این بیماری را ریشه کن سازد

اگر غذارسانی

باعث رشد جمعیت

سگ‌های پرسه‌زن

می‌شود، پس چرا

برای نجات گونه‌های

حیات وحش که در

خطر انقراض هستند

به صورت دستی

غذارسانی نمی‌کنند

تا جمعیت‌شان

بیشتر و بیشتر شود؟!

افغانستان تا سال

۲۰۲۱ موفق شد تا

با برنامه CNVR،

۲۰ هزار سگ را

فقط در شهر کابل

عقیم کند و به حدود

۷۵ هزار سگ واکسن

های زدن تا

این بیماری را

ریشه کن سازد

نیاز است همه با

زبان بدن سگ‌ها

آشنا شوند و آموزش

ببینند که اگر این

حیوانات رفتار

پر خاشگرانه‌ای

داشتند و به آنها

حمله کردند

چه عکس‌العمل

نشان دهند.

آموزشی که متأسفانه

فاقدش هستیم!

۳۰ درصد از تولدهای متولد شده‌شان مولد یعنی ماده هستند و تا ۷۰ تا آنها، پدر در این زمینه مقالات دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد وقتی این حیوانات جمعیت‌شان کم می‌شود و خود را در معرض انقراض می‌بینند، یک کند زنتیکی در بدنشان فعال می‌شود تا تولدهای بیشتر یا حتی تولدهای ماده بیشتری به دنیا بیاورند و مانع از کاهش جمعیت شوند.

برخلاف تصور ساده‌انگاره این برخی مسئولان، متغیر اصلی ظرفیت حمل، دسترسی به منابع غذایی نیست، بلکه ظرفیت حمل‌تیر کیب پیچیدگی از عوامل اکولوژیک، بیولوژیک و سوسپوکونومیک مؤثر بر سگ‌هاست.

اتنلاف بین‌المللی مدیریت حیوانات هم‌دم (ICAM)، در بیانیه‌ای که در جولای ۲۰۲۱ صادر کرده است، تأکید داشته که امکان افزایش جمعیت سگ‌های پرسه‌زن با افزایش دسترسی به منابع غذایی و همپنطور کاهش جمعیت آنها با محروم کردنشان از دسترسی به منابع غذایی منتفی است. البته این امر در جوامع فعلی دسترسی آسان به پسماند تر و غیره هیچ‌گاه برای پرسه‌زن رخ نمی‌دهد. با این وجود،

بر فرض محال، اگر حتی سگ‌های پرسه‌زن هیچ غذایی گیشان نیاید، اما وقت با تعدادی سگ گرسنه سر و کار خواهیم داشت که اسلک‌هایشان

بیرون زده و هیچ چیزی برای خوردن پیدا نمی‌کنند. آن وقت این حیوانات، هم‌نوع خوار می‌کنند و حتی‌با به حیات وحش نیز حمله خواهند کرد.

این سگ‌های گرسنه رفتار خشن و پر خاشگرانه از خود بروز می‌دهند و احتمال دارد به انسان‌ها حمله‌ور شوند؛

موضوعی که به شدت خطرناک است، بنابراین با اطمینان می‌توان گفت غذادهی به سگ‌های پرسه‌زن هیچ را تبایلی با افزایش زاد و ولد آنها ندارد. شما یک مقاله علمی یا حتی یک جمله یا پاراگراف علمی هم نمی‌توانید پیدا کنید

که رابطه‌ای میان غذارسانی و افزایش جمعیت سگ‌ها را مطرح کرده باشد. اصلاً اگر غذارسانی به رشد جمعیت سگ‌های پرسه‌زن کمک می‌کند، چرا سازمان محیط زیست در مورد گونه‌های حیات وحش که در خطر انقراض است، به صورت دستی، غذارسانی انجام نمی‌دهد تا جمعیت این گونه‌ها را بیشتر و بیشتر کند؟!

طی سال‌های گذشته به دلیل افزایش غذارسانی، سگ‌های پرسه‌زن بیشتری را می‌بینیم که قبلاً وجود نداشته است. اگر ادعا می‌شود، غذارسانی باعث افزایش تعدادشان نمی‌شود، پس چرا شاهد اتمان چیز دیگری می‌گویید؟

لژوما! شما تعدادی سگ‌ها ببینید که دور منابع غذایی جمع شدند، بدان معنا نیست که جمعیت سگ‌ها ما زیاد شده است، سگ‌ها به دلیل حس بویایی بسیار قوی که دارند، می‌توانند ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر اطراف خود پرسه‌زنی کنند تا به منبع غذایی برسند، بنابراین ممکن است در کنار یک منبع غذایی، جمعیت سگ‌هایی را ببینید که جمعیت پایدار آن منطقه نباشند و آن کیلومترها آن‌طرف‌تر سراغ آمده باشند.

پس شاید برای همین باشد که هر کس بر اساس آنچه مشاهده می‌کند بر آوردی راجع به کاهش یا افزایش جمعیت سگ‌های پرسه‌زن دارد، یعنی کسی که در قطعی تعداد زیادی از این حیوانات را می‌بیند می‌گوید زیاد شدند و بر عکس، حال عدم وجود آمار دقیق از تعداد سگ‌های پرسه‌زن چه مشکلاتی را برای برنامه‌ریزی و مدیریت حیوانات خانگی ایجاد خواهد کرد؟

وقتی عدد و رقم دقیق و درستی نداریم، روشن است که هیچ کار مؤثری نمی‌توانیم انجام دهیم. نه جمعیت سگ‌های بالغ را می‌دانیم و نه جمعیت سگ‌های نابالغ، حتی نمی‌دانیم تعداد سگ‌های پر خاشگر چقدر است؟ اصلاً نمی‌دانیم در شرایطی که داریم برایش تصمیم می‌گیریم، مشکل اساسی

آیا آمار از سگ‌های پرسه‌زن یا تخمینی از آن وجود دارد؟ مشخص است بیشترین محل حضور این حیوانات کجاست؟

ما هیچ آماری در رابطه با سگ‌های پرسه‌زن نداریم و هر عدد و رقمی که تا امروز از جانب مدیران و مسئولان بیان شده، اعداد و ارقام غیرواقعی است؛ از دو تا سه میلیون گرفته تا اینکه اخیراً عدد ۱۰ میلیون را هم شنیدیم.

اما تنها پژوهشی که در این رابطه در ایران انجام شده، مربوط به مرکز تحقیقات «کیست هیدانتید» دانشگاه علوم پزشکی در شهر کرمان است که آمار سگ‌های پرسه‌زن این شهر را ۶ هزار و ۷۰۰ اعلام کرده، این در حالی است که تا پیش از این مدیران شهری کرمان، عدد ۱۷ هزار را اعلام می‌کردند. عددی که اختلاف

گمافه‌زنی مسئولان با اعداد واقعی پژوهش را به روشنی نشان می‌دهد. اما یک فرمول در رابطه با تعداد سگ‌های پرسه‌زن وجود دارد که بر اساس جمعیت انسانی است؛ مثلاً تعداد این سگ‌ها به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت، با توجه به این فرمول، در شهر کرمان عدد ۱/۲ است. این عدد به روشنی نشان می‌دهد آماری که مسئولان اعلام می‌کنند چقدر عجیب و غریب است.

آمار سگ‌های پرسه‌زن در کشورهای دیگر چگونه است؟

مثلاً در کنیا به ازای هر ۱۰۰ نفر، ۳ سگ پرسه‌زن وجود دارد. تاژانیا ۱۵/۸، پرو ۱/۶، بولیوی ۲/۵، آرژانتین ۱/۸، مکزیک ۲/۳، تایلند ۱/۴، فیلیپین ۲/۶، اندونزی ۱/۳، سریلانکا ۱/۷، نپال ۳/۳ و زیمبابوه ۱۵/۴. بنابراین حتی در آسیای جنوب شرقی هم نمی‌توانیم خودمان را با این کشورها مقایسه کنیم. من عمیقاً معتقدم در مورد افزایش جمعیت سگ‌ها در کشور دارد بزرگمایی و هیولاسازی می‌شود.

متعدد دیگری چون افزایش جمعیت جوامع انسانی، گسترش شهرنشینی و حاشیه‌نشینی، دفع آب‌های زباله، پسماند و غیره است که دیده می‌شوند. البته عوامل دیگری نیز وجود دارد که باعث می‌شود سگ‌ها به نقاطی بروند یا نروند؛ مثلاً توپوگرافی منطقه، الگوی بارش، شرایط اقلیمی، وزش باد و حتی رفتار جامعه انسانی. مثلاً شما در میدان انقلاب تهران، سگ‌های پرسه‌زن نمی‌بینید، در صورتی که هم آب و هم منابع غذایی وجود دارد و هم استراحتگاه پیدا می‌شود، اما چرا جمعیت سگ پرسه‌زن نداریم؟ چون موضوع جمعیت سگ‌ها یک موضوع کاملاً پیچیده است و به عوامل گسترده و متعددی بستگی دارد.

یکی از فاکتورهای حضور سگ‌های پرسه‌زن در یک منطقه را منابع غذایی اعلام کردید. آیا غذادهی به این حیوانات منجر به افزایش تعدادشان می‌شود؟

قبیل از پاسخ به این سؤال باید با اصطلاح ظرفیت حمل (Capacity) آشنا شویم. این اصطلاح به معنای حداکثر ظرفیت یک ناحیه برای پشتیبانی یک گونه است یا به عبارتی دیگر، حداکثر تعداد یک گونه که می‌تواند بر اساس ظرفیت یک ناحیه در آن زندگی کند. این ظرفیت عددی مشخص در هر منطقه است به نحوی که اگر آن گونه از این ظرفیت فراتر رود، جمعیت شروع به کاهش می‌کند و بر عکس اگر جمعیت آن گونه بنا به هر

دلیلی چون بیماری و غیره کم شود، نرخ مهاجرت سگ‌های اطراف به منطقه و زادآوری موفق افزایش می‌یابد تا ظرفیت حمل خالی‌نماند. از طرفی بررسی‌ها نشان داده که اکولوژی سگ‌های پرسه‌زن به گونه‌ای است که در حالت عادی،

جمعیت سگ‌ها رابطه مستقیم با اکولوژی انسان‌ها دارد، یعنی هر جا که انسان حضور دارد، شهرسازی یا روستاسازی می‌کند و به طور کلی ساکن است و پسماند از خود تولید می‌کند، به محلی مناسب برای حضور سگ‌ها تبدیل می‌شود. در واقع ظرفیت حضور سگ‌های پرسه‌زن با اقامت انسان‌ها در آن منطقه است که شکل می‌گیرد، چرا که فضای امن، منابع غذایی و آب را برای این حیوانات ایجاد می‌کند. فراموش نکنیم در کشور ما روزانه هر فرد حدود ۶۰۰ تا هزار گرم پسماند تولید می‌کند که تقریباً نیمی از پسماندها تر است و می‌تواند خوراک سگ‌ها و گرچه‌ها باشد.

به طور خلاصه اینطور می‌توان گفت که این حیوانات به دلیل فاکتورهای متعدد دیگری چون افزایش جمعیت جوامع انسانی، گسترش شهرنشینی و حاشیه‌نشینی، دفع آب‌های زباله، پسماند و غیره است که دیده می‌شوند. البته عوامل دیگری نیز وجود دارد که باعث می‌شود سگ‌ها به نقاطی بروند یا نروند؛ مثلاً توپوگرافی منطقه، الگوی بارش، شرایط اقلیمی، وزش باد و حتی رفتار جامعه انسانی. مثلاً شما در میدان انقلاب تهران، سگ‌های پرسه‌زن نمی‌بینید، در صورتی که هم آب و هم منابع غذایی وجود دارد و هم استراحتگاه پیدا می‌شود، اما چرا جمعیت سگ پرسه‌زن نداریم؟ چون موضوع جمعیت سگ‌ها یک موضوع کاملاً پیچیده است و به عوامل گسترده و متعددی بستگی دارد.

یکی از فاکتورهای حضور سگ‌های پرسه‌زن در یک منطقه را منابع غذایی اعلام کردید. آیا غذادهی به این حیوانات منجر به افزایش تعدادشان می‌شود؟

قبیل از پاسخ به این سؤال باید با اصطلاح ظرفیت حمل (Capacity) آشنا شویم. این اصطلاح به معنای حداکثر ظرفیت یک ناحیه برای پشتیبانی یک گونه است یا به عبارتی دیگر، حداکثر تعداد یک گونه که می‌تواند بر اساس ظرفیت یک ناحیه در آن زندگی کند. این ظرفیت عددی مشخص در هر منطقه است به نحوی که اگر آن گونه از این ظرفیت فراتر رود، جمعیت شروع به کاهش می‌کند و بر عکس اگر جمعیت آن گونه بنا به هر

دلیلی چون بیماری و غیره کم شود، نرخ مهاجرت سگ‌های اطراف به منطقه و زادآوری موفق افزایش می‌یابد تا ظرفیت حمل خالی‌نماند. از طرفی بررسی‌ها نشان داده که اکولوژی سگ‌های پرسه‌زن به گونه‌ای است که در حالت عادی،